

عنوان موضوع:

آثار تقابل سیاسی ایالات متحده و چین بر بحران امنیتی شبه جزیره کره (2016-2022)

حیدر کشاورز^۱، اردشیر سنایی^۲، حمیدرضا شیرزاد^۳

چکیده:

در فاصله سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲، تقابل سیاسی بین ایالات متحده و چین به‌طور چشمگیری بر بحران امنیتی شبه‌جزیره کره تأثیر گذاشته است. سوال اصلی این پژوهش این است که تقابل سیاسی میان ایالات متحده و چین چه آثاری بر گسترش بحران امنیتی شبه‌جزیره کره داشته است؟ فرضیه مطرح شده این است که تقابل سیاسی میان ایالات متحده و چین، با افزایش فشارهای سیاسی و نظامی، موجب تشدید بحران امنیتی در شبه‌جزیره کره شده است، به‌گونه‌ای که این تقابل به افزایش فعالیتهای هسته‌ای و موشکی کره شمالی و تقویت اتحادهای نظامی در منطقه منجر گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تقابل‌ها در شبه‌جزیره کره به شکل‌گیری رقابت‌های امنیتی، ایجاد معضلات امنیتی، افزایش تهدیدها و نگرانی‌های امنیتی، تأثیرگذاری بر اتحادها و تقویت همکاری‌های امنیتی انجامیده است. این مقاله با هدف کاربردی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، به تحلیل و تفسیر موضوع با استفاده از روش مطالعه موردی و منابع اسنادی و کتابخانه‌ای معتبر در حوزه‌های سیاسی و امنیتی پرداخته است. همچنین، جستجو در پایگاه‌های داده برای گردآوری اطلاعات لازم انجام شده است.

کلید واژه: ایالات متحده، چین، شبه‌جزیره کره، تقابل سیاسی و بحران امنیتی.

مقدمه

در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲، با تغییر دولت در آمریکا از ترامپ به بایدن، سیاست ایالات متحده در قبال چین از رقابت اقتصادی به تقابل استراتژیک تغییر یافت. این تغییر شامل فشارهای اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک بیشتر بر چین و تلاش برای مهار نفوذ آن از طریق تقویت اتحادها با کره جنوبی و ژاپن و استراتژی هند و اقیانوس آرام بود. در پاسخ، چین نیز با تقویت روابط خود با کره شمالی و توسعه توانایی‌های نظامی و حضور منطقه‌ای، واکنش نشان داد. همزمان، تحریم‌های شدید علیه کره شمالی به دلیل برنامه‌های هسته‌ای این کشور، پیونگیانگ را به سمت وابستگی بیشتر به چین سوق داد. این امر باعث شد کره شمالی از تهدیدهای نظامی به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی با آمریکا و کره جنوبی استفاده کند و تنش‌ها در شبه‌جزیره کره افزایش یابد. در این میان، کره جنوبی با چالش جدیدی مواجه شد: از یک سو، باید به تعهدات امنیتی خود با ایالات

^۱: دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲: دانشیار روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: ardeshir_sanaie@yahoo.com

^۳: استادیار روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

متحدہ پایبند می‌ماند و از سوی دیگر، روابط اقتصادی حیاتی خود با چین را حفظ می‌کرد. این سیاست دوگانه سئول را در موقعیتی پیچیده قرار داد. رقابت ژئوپلیتیکی میان آمریکا و چین نه تنها امنیت در شبه‌جزیره کره را تضعیف کرده، بلکه احتمال بروز درگیری نظامی را نیز افزایش داده است. به‌ویژه اگر کره شمالی با احساس حمایت از سوی چین، دست به اقدامات تحریک‌آمیز بزند، احتمال محاسبات اشتباه و افزایش تنش‌ها بیشتر خواهد شد. مقاله حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه تقابل سیاسی بین آمریکا و چین، پویایی‌های امنیتی در شبه‌جزیره کره را تغییر داده و چه پیامدهایی برای بحران امنیتی منطقه داشته است. تقابل سیاسی میان ایالات متحده و چین در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ چه تأثیری بر گسترش بحران امنیتی شبه‌جزیره کره داشته است؟ فرضیه مطرح شده این است که تقابل سیاسی میان ایالات متحده و چین، با افزایش فشارهای سیاسی و نظامی، موجب تشدید بحران امنیتی در شبه‌جزیره کره شده است، به‌گونه‌ای که این تقابل به افزایش فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی و تقویت اتحادهای نظامی در منطقه منجر گردیده است. هدف این مقاله بررسی تأثیر تقابل سیاسی ایالات متحده و چین بر بحران امنیتی شبه‌جزیره کره در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۲ است. اهمیت موضوع به نقش بحران کره در امنیت منطقه آسیا-اقیانوسیه و جهان و تأثیر کلیدی تقابل این دو قدرت در این منطقه بازمی‌گردد. این مقاله در چارچوب نظریه توازن قوا و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش مطالعه موردی، تأثیرات تقابل این دو قدرت را بر بحران کره تحلیل می‌کند. منابع معتبر اسنادی و کتابخانه‌ای به همراه پایگاه‌های داده سیاسی و امنیتی برای بررسی استفاده شده‌اند.

2. پیشینه تحقیق

آصف علی. (۲۰۲۳). در مقاله "توسیدید روحبخش: رقابت بین آمریکا و چین برای سلطه جهانی" به بررسی رقابت بین آمریکا و چین برای سلطه جهانی می‌پردازد و تلاش می‌کند این رقابت را با رقابت تاریخی بین آتن و اسپارت مقایسه کند. نخستین بخش به بررسی نظریه‌های برجسته روابط بین‌المللی می‌پردازد، از جمله واقع‌گرایی و نظریه انتقال قدرت. سپس با استفاده از بینش‌های استراتژیک توسیدید، عوامل و دلایل اصلی این رقابت مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در پایان، تأثیر ظهور چین بر نظام بین‌المللی به طور انتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نگه، (۲۰۲۳) در مقاله "عوامل رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین" تحلیل می‌کند که روابط پیچیده دو کشور، به دلیل رقابت برای نفوذ ژئوپلیتیکی و تسلط اقتصادی، تحت تأثیر عواملی مانند ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی، سیاست داخلی آمریکا، ملی‌گرایی چین، و پیشرفت‌های فناوری است. این دیدگاه‌ها به درک بهتر نگرانی‌های امنیتی چین و بهبود تعاملات دوجانبه کمک می‌کند. یانگ، شیانگ‌فنگ (۲۰۲۳) در مقاله "چرا نمی‌توان این درام را متوقف کرد؟ رقابت آمریکا و چین و سه‌گانه امنیتی در شبه‌جزیره کره" به بررسی تأثیر رقابت آمریکا و چین بر امنیت شبه‌جزیره کره پرداخته است. وی بیان می‌کند که تلاش‌های ترامپ برای خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی به دلیل پیچیدگی‌های امنیتی و تعاملات بین قدرت‌های بزرگ ناکام ماند. این مقاله بر اهمیت نگاه به شبه‌جزیره کره به عنوان یک سیستم امنیتی کلان و استفاده از نظریه سیستم‌های پیچیده برای تحلیل بهتر روابط و وقایع تأکید می‌کند. در مقاله "چین به شبه‌جزیره کره می‌نگرد: دو انتقال

قدرت" نوشته آر.اس. راس (2023)، نویسنده به بررسی تغییرات اساسی در درک چین از روندهای استراتژیک در شبه‌جزیره کره طی پنج سال اخیر می‌پردازد. این مقاله تحلیل می‌کند که چگونه تغییرات در توازن قدرت اقتصادی و نظامی بین آمریکا و چین، نظم استراتژیک جدیدی را در شبه‌جزیره کره ایجاد کرده است، به‌ویژه با توجه به دو انتقال قدرت که تأثیرات مهمی بر روابط آمریکا و چین و سیاست‌های تحریمی آمریکا داشته است. شبه‌جزیره کره یکی از مسائل کلیدی در دستور کار آسیایی برای ایالات متحده و چین است. لی، اس. (2022). امنیت شرق آسیا در نظام جهانی چندقطبی: مروری بر ارزیابی تهدیدات امنیتی شبه‌جزیره کره در بازسازی نظم بین‌المللی. این مقاله بررسی می‌کند که با گذار از نظام تک‌قطبی به چندقطبی، بحث‌های امنیتی در کره جنوبی معمولاً با بزرگ‌نمایی تهدیدات همراه است و بر نیاز به ارزیابی عینی تأکید دارد. همچنین نشان می‌دهد که شرق آسیا نسبت به سایر مناطق کمتر در معرض سیاست‌های قدرت‌محور بوده و تهدیدات امنیتی کره جنوبی نباید به‌صورت بحران جدی تلقی شود. این مقالات به تحلیل ابعاد مختلف تقابل استراتژیک بین آمریکا و چین و تأثیر آن بر امنیت منطقه‌ای، به‌ویژه در شبه‌جزیره کره، پرداخته و بر اهمیت ارزیابی دقیق تهدیدات امنیتی در این منطقه تأکید دارند.

3. چارچوب نظری: توازن قوا

مطالعه توازن قوا به قدمت روابط بین‌الملل است. کاتیلیا درباره آن نظریه‌پردازی کرده و توسعید آن را به‌عنوان یک سیاست توصیه کرده است. هرگاه سیستمی از دولت‌های متعدد در تعامل بوده، نگرانی‌هایی درباره توازن میان این دولت‌ها وجود داشته است. فیلسوفانی مانند دیوید هیوم و ژان ژاک روسو نیز به این مفهوم علاقه‌مند بوده‌اند. امروزه "توازن قوا" همچنان به‌عنوان یک مفهوم قدیمی و مورد احترام در مطالعات روابط بین‌الملل باقی مانده است (هیلی و استاین، ۱۹۷۳: ۴). از قرن هجدهم تا جنگ جهانی اول، توازن قدرت به عنوان بهترین و بی‌نظیرترین راه برای حفظ ثبات در جامعه بین‌المللی و حفاظت از امنیت اعضای آن تلقی می‌شد. قرن‌های هجدهم و نوزدهم به عنوان "عصر طلایی" توازن قدرت در اروپا شناخته می‌شوند و به عنوان مدل سیستم توازن قدرت مورد توجه قرار می‌گیرند. در اروپا در زمان پذیرش توازن قدرت، مفهوم قدرت وجود داشت که با هدف تنظیم، تثبیت و جلوگیری از درگیری‌های متقابل، جهت تحقق اهداف توسعه‌طلبانه و امپریالیستی اعضای آن ایجاد شده بود (ژروتیه‌ویچ و پالوویچ، ۲۰۱۶: ۱۴۵). مورگنتا (2006) توازن قوا را به‌عنوان "ثبات در سیستمی که از تعدادی نیروی خودمختار تشکیل شده است" تعریف می‌کند. هرگاه این تعادل توسط یک نیروی خارجی یا تغییر در یکی از عناصر تشکیل‌دهنده سیستم مختل شود، سیستم تمایل دارد تا تعادل اولیه یا تعادلی جدید را مجدداً برقرار کند. "برای والتز (1979)، توازن قوا به معنای یک تعادل قدرت در سیستم بین‌المللی است که دولت‌ها، به‌عنوان واحدهای تشکیل‌دهنده سیستم، از طریق تلاش‌های فردی خود برای حفظ بقا به آن دست می‌یابند. برای میرشایمر (2014)، توازن‌سازی چیزی است که دولت‌های منفعت‌طلب برای مهار جاه‌طلبی‌های قدرت‌طلبانه هم‌تایان خود انجام می‌دهند. (آندروود و پال، ۲۰۲۰: ۱). در یک سیستم بین‌المللی،

تعادل قوا توسط سه عامل اصلی شکل می‌گیرد: اولین عامل، نیت یا نیت‌های فرضی قدرت‌های بزرگ درون سیستم است. دومین عامل، ترجیحات دولت‌ها است که می‌تواند بر اساس دستیابی به منافع مطلق یا نسبی باشد. سومین عامل، دسترسی به اطلاعات جدید در هر وضعیت است که ممکن است به صورت خارجی دو متغیر اول را تغییر دهد. این عوامل در کنار هم تعادل قوا درون یک سیستم را شکل می‌دهند و تعیین می‌کنند که دولت‌ها چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند و منافع خود را دنبال می‌کنند (کونگ و همکاران، 2024 : 353).

مشکل چنین سیستم آنارشیکی، نابرابری و عدم اطمینان گسترده است که منجر به سوءظن، تنش و یک معضل امنیتی می‌شود، هنگامی که هر دولت تلاش می‌کند امنیت خود را با تقویت تسلیحات افزایش دهد. مفاهیم تعادل نرم و سخت می‌توانند به نظریه تعادل قوا کمک کنند، جایی که دولت‌ها می‌توانند با مقابله با تهدیدات فرضی علیه قدرت خود، نظم بین‌المللی پایداری را حفظ کنند. دولت‌ها از قدرت نظامی خود علیه تهدیدات احتمالی خود استفاده می‌کنند. بنابراین، آن‌ها ممکن است به توسعه ابزارهای داخلی (توانایی‌های نظامی و اقتصادی قوی) بپردازند یا با سایر دولت‌ها ائتلاف کنند تا قدرت نظامی و اقتصادی جمعی خود را تضمین کنند (کونگ و همکاران، 2024 : 353). "در سطح زیرسیستم منطقه‌ای نیز، به نظر نمی‌رسد که موازنه قوا الگوی غالب رفتار امنیتی دولت‌ها باشد. تنها در خاورمیانه، آسیای شرقی، و آسیای جنوبی است که نشانه‌هایی از موازنه سخت مشاهده می‌شود" (فورتمان، پال و ویرتز، 2004، ص. 364). دولت اوپاما از سیاست «موازنه مجدد به سمت شرق آسیا-اقیانوس آرام» حمایت کرد و اعلام کرد که هدف این سیاست «موضع‌گیری بهتر ایالات متحده برای پیشبرد منافعش به‌عنوان مرکز سیاست جهانی» است. چین با اشاره به «ریشه‌های باستانی» مفهوم موازنه قدرت، استدلال کرده است که ایالات متحده و چین، به‌عنوان «ابر قدرت موجود و بزرگترین کشور در حال ظهور در حال توسعه»، با «معضل گرفتار شدن در تله توسیدید» مواجه هستند – که به گفت‌وگوی ملوسیان⁴ اشاره دارد، جایی که توسیدید بیان کرد که «قوی‌ها هر کاری که می‌توانند انجام می‌دهند و ضعیف‌ها هر چه که باید، رنج می‌برند» – و این به‌عنوان بیانی از این ایده تلقی می‌شود که تغییرات در موازنه قدرت منجر به جنگ می‌شود (آندرسن، 2018: 10-11). نظریه توازن قوا می‌تواند به تحلیل رقابت استراتژیک بین ایالات متحده و چین و تأثیر آن بر بحران امنیتی شبه‌جزیره کره کمک کند، زیرا تغییرات در تعادل قدرت و نیت‌های این دو کشور می‌تواند بر رفتارهای امنیتی دولت‌ها در این منطقه تأثیر مستقیم بگذارد.

4. تقابل سیاسی میان ایالات متحده و چین

رقابت بین دو قدرت جهانی، چین و ایالات متحده، همواره یک موضوع مهم بوده و روابط آن‌ها در سی و چهار سال گذشته از زمان برقراری روابط دیپلماتیک پیچیده‌تر شده است. پس از اصلاحات و گشایش چین، رابطه این

⁴: ملوسیان (Melian) به گروهی از مردم ملوس در یونان باستان اشاره دارد که در جزیره ملوس واقع شده بودند. در تاریخ‌نگاری، به‌ویژه در آثار توسی‌دید (Thucydides)، ملوسیان به عنوان یک مثال از کشمکش‌های سیاسی و نظامی در دوران جنگ‌های پلوپونزی معروف هستند.

کشور با ایالات متحده همیشه در وضعیت همکاری و اصطکاک قرار داشته است (شائو، ۲۰۲۴: ۲۱۷). هشت دولت آمریکایی، از ریچارد نیکسون تا باراک اوباما، و چهار رهبری چینی، از مائو تسه‌تونگ تا هو جینتائو، بر یک دوره نسبتاً صلح‌آمیز و پررونق روابط چین و آمریکا از سال ۱۹۷۲ تا کنون نظارت داشتند. با این حال، پس از آن، به ویژه با صعود شی جین‌پینگ در پکن در سال ۲۰۱۲ و دونالد ترامپ در واشنگتن در سال ۲۰۱۷، روابط به‌طور فزاینده‌ای تیره و تار شده است. دوران پیشین "مشارکت سازنده" که بر اساس سه‌پایه‌ای از منافع استراتژیک، اقتصادی و فرهنگی مشترک بنا شده بود، جای خود را به رابطه‌ای با افزایش سوءظن‌های متقابل و نگرانی‌های امنیتی داده است (فینگار و لامپتون، ۲۰۲۳: ۴۴). روابط استراتژیک ایالات متحده و چین در دوران ریاست‌جمهوری اوباما نیز پیچیده‌تر و دشوارتر به نظر می‌رسید. اراده سیاسی قوی در هر دو طرف برای حفظ یک رابطه "مثبت، همکاری‌محور و جامع" وجود داشت که این موضوع در فراوانی نشست‌های سران، تأسیس گفت‌وگوی استراتژیک و اقتصادی و همکاری‌های قابل‌تحسین آن‌ها در زمینه‌های حکمرانی اقتصادی جهانی، عدم اشاعه هسته‌ای و تغییرات اقلیمی مشهود بود. با این حال، عناصر رقابتی به‌سرعت در هر دو حوزه اقتصادی و امنیتی در حال توسعه بودند و عدم اعتماد استراتژیک نسبت به نیت بلندمدت یکدیگر افزایش می‌یافت. از منظر تفسیر ایالات متحده از توسعه داخلی چین، درک تدریجی‌ای به وجود آمد که نیروی فرضی لیبرالیزه‌کننده اقتصاد بازار در عرصه سیاسی خود را بروز نداده است (جی، ۲۰۲۰: ۱۸۸).

در دوران ریاست‌جمهوری رئیس‌جمهور ترامپ، روابط چین و آمریکا تیره‌تر شد. اعتبار چین، که موفقیت چشمگیری در عرصه اقتصادی کسب کرده بود و در سال ۲۰۱۰ به دومین اقتصاد برتر دنیا تبدیل شده بود، با وقوع جنگ تجاری با ایالات متحده خدشه‌دار شد. در ایالات متحده، رویکردها در قبال چین در عرصه سیاسی سخت‌تر شد و حتی دموکرات‌ها که از رئیس‌جمهور ترامپ متنفر بودند نیز از بسیاری از اصول سیاست‌هایش در قبال چین استقبال کردند. این تغییر تفکر هنگام همه‌گیری کووید ۱۹ ادامه پیدا کرد. عرصه‌های اقتصاد، تکنولوژی، مدیریت جهانی و امنیت به صحنه رقابت ساختاری بین دو طرف تبدیل شدند (نیلسون-رایت و یو، ۲۰۲۱: ۶) در اوایل سال ۲۰۱۸، مناقشه تجاری بین چین و ایالات متحده توجه گسترده‌ای را جلب کرد و بحث‌های داغی را به‌دنبال داشت. در این دوره، ایالات متحده به‌طور یک‌جانبه تعرفه‌ها و تدابیر دیگری را بر چین تحمیل کرد، در حالی که چین نیز اقداماتی تلافی‌جویانه علیه ایالات متحده انجام داد. همچنین، این دو قدرت در زمینه‌های سیاسی و نظامی دارای تضادها و اختلافات زیادی هستند (شائو، ۲۰۲۴: ۲۱۷). دولت بایدن به استراتژی و سیاست‌های دولت ترامپ در راستای مهار چین ادامه داده است. بر این اساس، استراتژی کلی دولت بایدن نسبت به چین شامل "رقابت جامع، همکاری محدود و تقابل متمرکز" است. این استراتژی نسبت به چین باعث افزایش بیشتر تنش‌ها بین چین و ایالات متحده در زمینه‌های منافع متقابل آسیب‌زا شده است. رویکرد رقابتی دولت بایدن نسبت به چین با فشارهای چندرشته‌ای، پیوند مسائل و همکاری‌های ائتلافی منجر به

افزایش تعاملات و پیچیدگی بیشتر روابط بین ایالات متحده و چین شده است. قابل پیش‌بینی است که تغییر در تضاد میان قدرت ملی جامع چین و ایالات متحده برای مدت طولانی در مرحله بن‌بست استراتژیک باقی خواهد ماند (تیان، ۲۰۲۲: ۹۸۹-۹۸۸). درگیری منافع استراتژیک بین چین و کره شمالی و ایالات متحده هرگز از منطقه شرق آسیا تا اقیانوس آرام متوقف نشده است که برجسته‌ترین آن‌ها شامل مسائل مربوط به دریای جنوبی چین، مسئله تایوان و مسئله سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی هستند (شائو، ۲۰۲۴: ۲۲۱). رقابت سیاسی و اقتصادی آمریکا و چین، به‌ویژه در دوره ترامپ و بایدن، چشم‌انداز تنش‌های مداوم را نشان می‌دهد. استراتژی‌های آمریکا برای مهار چین و تلاش‌های چین برای افزایش نفوذ خود، به‌ویژه در دریای جنوبی و تایوان، رقابت ژئوپلیتیکی پیچیده‌ای را رقم زده است. این وضعیت ثبات شرق آسیا را به شدت تحت تأثیر قرار داده و به مدیریت دقیق نیاز دارد.

1-4. رویکرد متقابل استراتژیک روابط با ایالات متحده و چین

در ایالات متحده، دو مکتب فکری در مورد سیاست چین وجود دارد. یکی معتقد است که ایالات متحده باید برای مهار گسترش قدرت چین تلاش کند. این مکتب فکری معتقد است که چین قصد دارد ایالات متحده را در منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در نهایت در جهان جایگزین کند. مکتب فکری دیگر معتقد است که ایالات متحده می‌تواند با تغییر پویایی چین به سمت خود، روابط دوجانبه را بهبود بخشد. این مکتب فکری معتقد است که تفاوت در ارزش‌های سیاسی بین دو کشور پایه و اساس روابط دوجانبه است. پکن به هر دو مکتب فکری در ایالات متحده واکنش نشان می‌دهد و صرفاً از فشار ایالات متحده مقاومت می‌کند. چین تمایلی به تغییر رفتار خارجی خود یا تغییر جهت گرایش‌های داخلی خود ندارد. بنابراین، یک رویارویی استراتژیک بین دو غول به سرعت و ناگزیر در حال توسعه است. تنش‌های ایالات متحده و چین در زمینه‌های ژئواستراتژی، ایدئولوژی، تجارت و اقتصاد و امنیت بین‌المللی در حال افزایش و تشدید است. چنین روندهایی را نمی‌توان با خواسته‌های صادقانه برای یک رابطه پایدار معکوس کرد. از آنجایی که این دو کشور به احتمال زیاد به رقابتی استراتژیک بلند مدت تبدیل می‌شوند، باید تلاش کنند تا از سقوط به تراژدی "تله‌های توسیدید" جلوگیری کنند. (اناتولیویچ، 2019: 77). سیاست چین در قبال ایالات متحده متناقض به نظر می‌رسد. از یک سو، چین نگران هرگونه تلاش آمریکا برای بی‌ثبات کردن سیاست داخلی خود، مختل کردن مسیر توسعه یا مهار ظهور آن است. از سوی دیگر، پکن به رسمیت می‌شناسد که یک روابط چین-آمریکای با ثبات برای امنیت و رفاه بلندمدت چین مفید خواهد بود. در روابط بین‌المللی، چین به دنبال حفظ صلح بین‌المللی و ترویج توسعه اقتصادی است. در سال‌های اخیر، پکن موقعیت بالایی در امور بین‌الملل را اشغال کرده و در حفاظت از منافع خود قاطع‌تر شده است. از نقطه نظر چین، عملیات نظامی در دریاهای جنوب و شرق چین، بازدارندگی در برابر نیروهای استقلال‌طلب در تایوان و سرکوب تقسیم‌طلبی در هنگ‌کنگ، همه تلاش‌هایی برای حفاظت از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هستند. در مواجهه با مشکلات داخلی رو به رشد، این اقدامات به تحکیم قدرت در خانه و تقویت جایگاه جهانی

چین کمک کرد. چین به سرعت شکاف با ایالات متحده را از نظر قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و نفوذ جهانی در ده سال گذشته کاهش داده است. همراه با قدرت ملی رو به رشد، غرور ملی و اعتماد به نفس چین نیز به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. با این حال، در واقعیت، با وجود این واقعیت که قدرت نرم آمریکا و توانایی آن برای مداخله خارجی واقعاً تخلیه شده است، قدرت سخت هنوز بزرگ و در حال رشد است. نابرابری قدرت بین ایالات متحده و تقریباً هر کشور دیگری به جز چین، هند و روسیه نیز همچنان در حال رشد است. با توجه به این واقعیت، ایالات متحده هنوز هم خود را به عنوان برتر از "واعظ" در چین قرار می‌دهد. سیاستمداران آمریکایی در حال تلاش برای استفاده از اقدامات تنبیهی برای وادار کردن چین به تسلیم شدن در مسائل کلیدی از جمله تجارت دوجانبه و رقابت تکنولوژیکی هستند. در حال حاضر کارشناسان دو خط تفکر آمریکایی نسبت به چین را تشریح می‌کنند (وَنگ و هُو^۵، ۲۰۱۹: ۴۷). در حالی که آمریکا به دنبال مهار چین و حفظ نظم بین‌المللی است، چین بر دفاع از حاکمیت و نفوذ خود تمرکز دارد. اختلافات آن‌ها در حوزه‌های امنیتی و تجاری همچنان گسترش یافته و پایدار است.

2-4. تفاوت ایدئولوژیک

برخلاف درگیری شرق-غرب با اتحاد جماهیر شوروی که تضاد ایدئولوژیک در مرکز آن قرار داشت، رقابت بین ایالات متحده و چین به‌طور خاص ایدئولوژیکی نیست (رودولف، ۲۰۲۰: ۱۴). از آنجایی که ایالات متحده و چین درگیر رقابت استراتژیک هستند و هر کدام ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند، به احتمال زیاد تا حدی رقابت ایدئولوژیک اجتناب‌ناپذیر است. اما این رقابت در گستره و شدت محدود خواهد بود، زیرا هیچ‌یک از طرفین به دنبال یک جنگ ایدئولوژیک یا درگیری به سبک جنگ سرد نیستند (جی، ۲۰۲۰: ۱۸۵). هرچند نگرانی‌ها در مورد حقوق بشر در چین موجب اختلافات شده است، اما ایالات متحده چین را در زمانی که امید به لیبرالیزه شدن آن وجود داشت و تا زمانی که صعود چین به‌عنوان یک چالش جهانی به‌طور کامل پذیرفته نشده بود، به‌عنوان یک مخالف ایدئولوژیکی نمی‌دید (رودولف، ۲۰۲۰: ۱۴). تحلیلگران چینی اغلب از عبارت «ذهنیت جنگ سرد» که ارتباط نزدیکی با عامل ایدئولوژیک دارد، در بحث درباره روابط چین و آمریکا استفاده می‌کنند. رئیس پیشین موسسه مطالعات بین‌المللی چین (CIIIS) و سفیر، ما ژنگانگ، رقابت استراتژیک تشدیدشده را به «ذهنیت جنگ سرد» و «تفکر هژمونیک» آمریکا نسبت می‌دهد. او معتقد است که «ذهنیت جنگ سرد» موجب افزایش خصومت آمریکا نسبت به نظام سیاسی چین و آموزه ایدئولوژیک حزب کمونیست چین شده است. منظور ما از «تفکر هژمونیک»، تمایل آمریکا برای جلوگیری از ظهور هر کشور بزرگ دیگری است. با توجه به اینکه دولت ترامپ رقابت قدرت‌های بزرگ را در اولویت قرار داده، برخی پژوهشگران چینی نگران بازگشت رقابت‌های ایدئولوژیک دوره جنگ سرد هستند. همان‌طور که ژائو می، پژوهشگر ارشد آکادمی علوم اجتماعی چین (CASS)، هشدار می‌دهد، یک «درستی سیاسی» جدید در گسترش گفتمان ضد چین در ایالات متحده مشهود است. رویکرد «نئو ماکارتی» آمریکا نسبت به چین، روندی واقعاً نگران‌کننده است که پیامدهای منفی

⁵ Wang, Hu

گسترده‌ای برای روابط چین و آمریکا به همراه خواهد داشت (ژائو، 2019: 378-379). از دیدگاه چین، بُعد ایدئولوژیک همواره مهم‌تر بوده است؛ زیرا ایده‌های غربی در مورد دموکراسی لیبرال و آزادی بیان تهدیدی برای هژمونی ایدئولوژیک حزب کمونیست محسوب می‌شوند (رودولف، ۲۰۲۰: ۱۴). مدیریت ترامپ، تنش با چین را یک تنش ایدئولوژیک، حتی یک تنش بین "تمدن‌ها"، تصویرسازی کرد. چین چیزی جز "بازآرایی جهان"^۶ را نمی‌خواهد. رهبری چین تحت رهبری شی جین‌پینگ، نوعی "مدل چینی"^۷ را برای کشورهای در حال توسعه و نوظهور تبلیغ می‌کند، و در نتیجه، دموکراسی لیبرال را به عنوان یک آرمان سیاسی زیر سوال می‌برد. مدل حکومت چین ممکن است برای دولت‌های استبدادی یا آنهایی که به سمت استبداد می‌لغزند، جذاب باشد. با این حال، موفقیت اقتصادی چین بر شرایط پیش‌فرض خاصی، بازار داخلی بزرگ، فراوانی نیروی کار، و آمادگی یک دولت استبدادی برای آزمایش و ابتکار عمل عمل‌گرایانه استوار است. (رودولف، ۲۰۲۰: ۱۴). بحث‌های اخیر در ایالات متحده نشان می‌دهد که ادراک از تضاد ایدئولوژیکی بین سیستم‌های آمریکا و چین رشد می‌کند، مشابه دوران جنگ سرد میان دموکراسی غربی و شوروی است. برخی ادعا می‌کنند که "سرمایه‌داری استبدادی"^۸ چین ممکن است در زمانی که اعتماد به تفوق سیستمی "سرمایه‌داری دموکراتیک"^۹ کمرنگ می‌شود، حمایت جهانی پیدا کند. در این سناریو، رقابت قدرت ژئوپلیتیک با تعارض سیستم ایدئولوژیکی ترکیب شده است. چین حتی به عنوان یک "تهدید وجودی"^{۱۰} برای ایالات متحده و نظام جهانی توصیف می‌شود (رودولف، ۲۰۲۰: ۱۴). اگرچه ترامپ، "مخالف نظم"^{۱۱} دیگر رئیس‌جمهور نیست، اما معضل در روابط ایالات متحده و چین حل نشده است. جو بایدن به ادامه سیاست‌های ترامپ در قبال چین پرداخته است. اولین دیدار سطح بالا بین دو کشور در مارس ۲۰۲۱ بدون انتشار بیانیه مشترک پایان یافت و دیپلمات ارشد چین، یانگ^{۱۲}، حتی ایالات متحده را به اتخاذ رویکرد "تحقیرآمیز" متهم کرد که نشان می‌دهد خروج یک رئیس‌جمهور تغییر در وضعیت موجود را به همراه نداشته است (ون، ۲۰۲۲: ۲۸۵). با توجه به اینکه ایالات متحده و چین درگیر رقابت استراتژیک هستند و هر کدام ایدئولوژی‌های متفاوتی دارند، درجاتی از رقابت ایدئولوژیک ممکن است اجتناب‌ناپذیر باشد. اما از نظر دامنه و شدت محدود است و احتمالاً باقی خواهد ماند زیرا هیچ یک از طرفین به یک جنگ صلیبی ایدئولوژیک یا یک محرمانه ایدئولوژیک به سبک جنگ سرد متمایل نیستند (جی، 2020: 185).

3-4. ظهور چین: تهدیدی علیه هژمونی آمریکا

⁶ civilizations

⁷ reorder the world

Chinese model⁸

⁹ authoritarian capitalism

¹⁰ democratic capitalism

¹¹ existential threat

¹² disrupter

¹³ Jiechi

ظهور چین اکنون یک واقعیت است. اقتصاد و قدرت نظامی چین به طور مداوم در حال رشد است و این کشور در تمامی حوزه‌ها با ایالات متحده رقابت می‌کند. ظهور چین سیاست جهانی و همچنین توازن اقتصاد جهانی را متحول کرده است. اکنون در حال ورود به جهانی هستیم که ایالات متحده دیگر تنها قدرت بزرگ روی سیاره نیست. ما در حال حرکت از یک جهان تک‌قطبی به یک جهان چندقطبی هستیم که در آینده توسط چندین قدرت بزرگ اداره خواهد شد. ایالات متحده در آینده نزدیک همچنان قدرتمندترین کشور در نظام بین‌الملل باقی خواهد ماند، اما دیگر تنها ابرقدرت این نظام نخواهد بود (مودباده، 2020: 167). روند رشد اقتصادی جهانی در طی دوره‌ی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ میانگین ۳۰٪ بوده است. چین در حال حاضر کشوری است که بیشترین کالاهای تولیدی را در جهان تولید می‌کند؛ ۲۸.۴٪ از کالاهای استفاده شده در جهان توسط چین تولید می‌شود در حالی که این رقم برای ایالات متحده ۱۶٪ است، که نسبت به تعداد کشورها در جهان، رقمی بسیار بالاست. چین منابع عظیمی از خاک‌های خاص را دارد که به تولید ۸۵٪ از تجهیزات و اجزای الکترونیکی، پزشکی، نظامی، متالورژی، حمل و نقل، پتروشیمی و سایر تجهیزات و اجزا مورد استفاده در جهان کمک می‌کند. چین همچنین یکی از رهبران جهانی در زمینه‌ی کامپیونت‌های الکترونیکی است، بخشی که با رقابت دائمی چین و آمریکا در زمینه‌های محاسبات کوانتومی، هوش مصنوعی و بیوتکنولوژی همراه است (موشیندا و سایرین، ۲۰۲۴: ۲۹۸). به نظر می‌رسد که درگیری بین چین و ایالات متحده اجتناب‌ناپذیر است، زیرا این دو کشور قدرتمند بر سر تسلط بر آسیا با یکدیگر رقابت می‌کنند. پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی چین، مانند ابتکار کمربند و جاده، اغلب توسط آمریکایی‌ها به عنوان تلاشی از سوی چین برای به چالش کشیدن برتری ایالات متحده در آسیای مرکزی، اروپا و سایر نقاط جهان تلقی می‌شود. بنابراین، پرسش این است که آیا آمریکایی‌ها می‌توانند مانع از تبدیل شدن چین به یک هنگ کنگ غول‌آسا شوند؟ دولت ترامپ هر کاری که بتواند انجام می‌دهد تا رشد اقتصادی چین را متوقف کند، از جمله وضع تعرفه‌های گمرکی بر محصولات چینی. این جنگ تجاری نمادی از رقابت چین و آمریکا برای هژمونی و همچنین رقابت ژئوپلیتیکی بین آن‌هاست. ایالات متحده هر کاری که بتواند انجام خواهد داد تا جلوی ظهور چین را بگیرد. ما اکنون وارد عصر جدیدی شده‌ایم - جنگ سرد چین و آمریکا (مودباده، 2020: 171). در دوران دولت بایدن، ایالات متحده رقابت قدرت‌های بزرگ با چین را عمیق‌تر کرد و تلاش کرد تا تجدید هژمونی را تسریع کند، با هدف ادغام سیاست‌های خود در قبال چین که شامل سرمایه‌گذاری، اتحادها، و رقابت می‌شود. دولت بایدن همچنین در تلاش است تا استراتژی جهانی خود را با سیاست‌هایش در قبال چین هم‌افزا کند (مینگ‌هاو، ۲۰۲۳: ۸). با بررسی تقابل ایالات متحده و چین، اکنون به تحلیل تأثیر این تقابل بر بحران امنیتی شبه‌جزیره کره می‌پردازیم.

5. آثار تقابل سیاسی ایالات متحده و چین بر بحران امنیتی شبه جزیره کره

تقابل سیاسی آمریکا و چین در شبه‌جزیره کره منجر به رقابت‌های امنیتی و معضل امنیتی برای کشورهای منطقه شده است. این وضعیت تهدیدهایی مانند توسعه تسلیحات هسته‌ای کره شمالی و تقویت اتحادهای نظامی ایالات متحده و چین را افزایش داده است.

1-5. رقابت‌های امنیتی و ایجاد معضل امنیتی

اگرچه رابطه کنونی ایالات متحده و چین با رابطه ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در گذشته متفاوت است، اما دو قطبی بودن میان این دو کشور تقویت شده و ادراک تهدید متقابل تشدید شده است. علاوه بر این، قابل توجه است که درگیری ایدئولوژیک بین دموکراسی و استبداد اخیراً واضح‌تر شده است. به نظر می‌رسد رقابت بزرگ‌قدرت‌ها به سمت وضعیت مشابه جنگ سرد در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی حرکت می‌کند و بحث‌های شدیدی در مورد امکان یک جنگ سرد جدید در حال انجام است. با توجه به اینکه درگیری ایالات متحده و چین هنوز جنبه‌ای از رقابت قدرت‌های منطقه‌ای دارد و عمدتاً در منطقه آسیا-اقیانوسیه اتفاق می‌افتد، تأثیر آن بر شبه‌جزیره کره نسبتاً بزرگ است (هوانگ، 2022: 6-7). طی هشت سال گذشته، پیشرفت‌های کره شمالی در تسلیحات هسته‌ای و قابلیت‌های موشکی تحت رهبری کیم جونگ اون، پیونگ یانگ را از یک تهدید برای منافع ایالات متحده در شرق آسیا به یک تهدید بالقوه مستقیم برای خود آمریکا تبدیل کرده است. تلاش‌ها برای متوقف کردن برنامه تسلیحات هسته‌ای کره شمالی (DPRK) دغدغه‌ای برای حداقل شانزده کنگره و شش دولت ریاست‌جمهوری ایالات متحده بوده است. کره شمالی تحت تحریم‌های متعدد آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل است. علاوه بر برنامه‌های هسته‌ای و موشکی، دیگر نگرانی‌های آمریکا شامل فعالیت‌های غیرقانونی کره شمالی و احتمال حملات نظامی متعارف علیه کره جنوبی است (مانین و دیگران، 2022: 1). در پاسخ به توانایی‌های هسته‌ای کره شمالی، ایالات متحده و کره جنوبی بر تقویت قابلیت‌های دفاعی خود تمرکز کرده‌اند. استراتژی کره جنوبی شامل سیستم "سه‌محور" است: زنجیره کشتار برای حملات پیشگیرانه، سیستم دفاع موشکی برای رهگیری موشک‌ها، و "مجازات و انتقام گسترده" که هدف آن ناتوان کردن رهبری دشمن است. این استراتژی، که پس از پنجمین آزمایش هسته‌ای کره شمالی در سال 2016 بازسازی شد، احتمال تحریک پیونگ‌یانگ به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در بحران‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، استقرار سامانه دفاع موشکی THAAD در کره جنوبی به عنوان بخشی از این استراتژی، به تنش‌های منطقه‌ای افزوده و واکنش منفی چین را به دنبال داشته است (کیم، 2024: 8). چین با استقرار THAAD در کره جنوبی به دلیل نگرانی از رهگیری موشک‌ها و جاسوسی از قلمرو خود مخالف است، هرچند آمریکا و کره جنوبی این ادعا را رد کرده‌اند. چین همچنین از تقویت اتحاد امنیتی بین آمریکا، کره جنوبی و ژاپن و تأثیر آن بر نفوذ خود نگران است و از اهرم‌های اقتصادی علیه کره جنوبی استفاده کرده است (سازمان پژوهش و توسعه امنیت، ۲۰۱۷، ص. 6). کره شمالی تصمیم به استقرار THAAD را هم به عنوان یک تحریک و هم به عنوان یک عمل تهاجمی در نظر گرفته است. به‌طور متناسب، یک روز پس از اعلام استقرار THAAD، کره شمالی یک آزمایش موشکی بالستیک زیر دریایی از نوع Pukkuksong-1 (KN-11) انجام داد (سازمان پژوهش و توسعه امنیت، ۲۰۱۷: ۵). تنش‌ها و رقابت‌ها بین ایالات متحده و چین می‌تواند به شدت بر مسئله کره شمالی تأثیر

بگذارد و معضل امنیتی را در روابط بین‌الملل تشدید کند. در سال‌های 2018 و 2019، حساسیت شدید ایالات متحده و چین نسبت به برگزاری نشست‌ها با کره شمالی نشان‌دهنده این است که هر دو کشور در تلاشند تا نفوذ خود را در این منطقه حفظ کنند. چین به‌طور استراتژیک سعی دارد کره شمالی را به وابستگی خود درآورد و از این طریق نفوذ اقتصادی و سیاسی بیشتری بر آن اعمال کند. این وابستگی به چین می‌تواند به عنوان ابزاری برای فشار بر ایالات متحده و کره جنوبی عمل کند. در این راستا، رقابت ایالات متحده و چین به عنوان یک معضل امنیتی در روابط بین‌الملل، چالش‌های بزرگی برای سیاست‌های دولت کره جنوبی ایجاد می‌کند. این دولت باید با توجه به تغییرات مداوم در محیط امنیتی، موقعیت استراتژیک خود را تثبیت کند تا از منافع ملی خود در برابر تأثیرات این رقابت‌ها محافظت نماید (هوانگ، 2022: 7). ایالات متحده با تقویت حضور نظامی خود در شرق آسیا برای مهار کره شمالی، چین را نگران کرده و رقابت تسلیحاتی افزایش یافته است. این اقدامات ناخواسته معضل امنیتی را تشدید می‌کنند، زیرا هر تلاشی برای امنیت، طرف مقابل را تهدید می‌کند.

5-2. افزایش تهدیدها و ترس‌های امنیتی

پس از بحث درباره معضل امنیتی، باید به این نکته پرداخت که چگونه این رقابت و معضل امنیتی باعث افزایش تهدیدهای مستقیم (مثل تهدیدات هسته‌ای کره شمالی) و ایجاد ترس‌های امنیتی میان بازیگران منطقه می‌شود. از لحظه‌ای که کره شمالی موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی (ICBM) توسعه داد که ممکن است قادر به هدف‌گیری نقاطی در آمریکای شمالی باشند، دیگر تنها یک رژیم مخالف متحدان و ارزش‌های ایالات متحده نبود، بلکه به یک تهدید امنیتی شدید، مستقیم و فزاینده برای منافع و شهروندان آمریکایی تبدیل شد. از زمانی که کیم جونگ اون قدرت را به دست گرفت، ادراک تهدید از سوی کره شمالی هم برای دولت‌های ایالات متحده و هم برای مردم آمریکا بسیار بالا بوده است. ایالات متحده و کره جنوبی به صراحت هدف خود را خلع سلاح هسته‌ای شبه‌جزیره اعلام کرده‌اند. برای پیونگ‌یانگ، خلع سلاح هسته‌ای غیرقابل قبول است. برای کیم جونگ اون، هدف استراتژیک اصلی احتمالاً حفظ رژیم، جان خود و میراث خانوادگی است – به عبارتی، زنده ماندن و در قدرت ماندن (لیئاس، 2024: 3). ویژگی‌های کلیدی در رابطه بین کره شمالی و ائتلاف ایالات متحده-کره جنوبی خطر قابل توجهی از تشدید در صورت بروز بحران یا درگیری نظامی محدود ایجاد می‌کند. در عین حال، احتمال وقوع بحران یا جنگ محدود همواره وجود دارد (لیله‌آس، 2024: 2). ایالات متحده نه تنها توانایی خود را در سرنگونی رژیم‌های مخالف نشان داده، بلکه برای دیکتاتورهای سراسر جهان آشکار شده است که این کشور مایل به انجام چنین اقدامی است. کره شمالی اولین آزمایش هسته‌ای خود را در سال 2006 انجام داد. با سقوط رژیم‌های افغانستان، عراق و لیبی به دست نیروهای نظامی آمریکا، نگرانی‌ها از عملیات تغییر رژیم اجباری در پیونگ‌یانگ افزایش یافت. به‌طور کلی، ترس کره شمالی از حمله ناگهانی کاملاً موجه بود، به‌ویژه به دلیل عدم تقارن بزرگ در توانایی نظامی با ایالات متحده و کره جنوبی، چه به‌صورت فردی و چه ترکیبی. این ترس از تغییر رژیم همچنین می‌تواند توضیح دهد که چرا تمرینات نظامی مشترک ایالات متحده و کره جنوبی، به‌ویژه

تمریناتی که شامل تیراندازی زنده و بسیج گسترده نیروها هستند، عامل اصلی خشم کره شمالی است (لایلئاس، 2024: 4). طی سال‌های 2016 و 2017، تنش‌های شدیدی میان کره شمالی و جنوبی وجود داشت، اما در سال 2018 با آغاز گفت‌وگوهای تاریخی، روابط بهبود یافت. امضای توافق‌نامه جامع نظامی (CMA) در سپتامبر 2018، یکی از دستاوردهای مهم این دوره بود. با این حال، پس از نشست ناموفق ترامپ و کیم جونگ اون در فوریه 2019، این روند متوقف شد. در ژوئن 2020، کره شمالی گفت‌وگوها را قطع و دفتر ارتباطی دو کشور را تخریب کرد، و اوضاع بار دیگر به تنش بازگشت (مادوز، 2021: 6). با تشدید درگیری ایدئولوژیک بین ایالات متحده و چین، یک نظرسنجی آمریکایی نشان داد که عدم تمایل آمریکایی‌ها به چین به 66٪ افزایش یافته و 90٪ از آمریکایی‌ها چین را به عنوان تهدیدی برای ایالات متحده در نظر می‌گیرند. این امر نشان‌دهنده افزایش قابل توجه در درک تهدیدات و نگرش منفی آمریکایی‌ها به چین است، بدون توجه به قطب‌بندی ایدئولوژیک بین محافظه‌کاران و ترقی‌خواهان در سیاست داخلی ایالات متحده. این وضعیت مشابه واقعیتی است که محبوبیت چین در میان کره جنوبی‌ها پس از اقدام اقتصادی تلافی‌جویانه چین علیه کره جنوبی به خاطر معرفی سامانه دفاع موشکی THAAD در سال 2016 به نصف کاهش یافت. چین به استراتژی ایالات متحده در قبال خود انتقاد کرد و گفت که ترامپ چین را به عنوان رقیبی توصیف کرده است که به منافع، اقتصاد و ارزش‌های ایالات متحده چالش می‌زند و ایالات متحده را به داشتن "ذهنیت جنگ سرد" متهم کرد (هوانگ، 2022: 10). افزایش تنش‌ها در شبه‌جزیره کره، به‌ویژه با توسعه برنامه‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی و واکنش‌های نظامی آمریکا و کره جنوبی، به همراه تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه، محیطی پیچیده و خطرناک را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است.

3-5. تأثیر بر اتحادها

سپس به تأثیر این تهدیدها بر روابط متحدین پرداخته می‌شود. در این بخش توضیح داده می‌شود که چگونه اتحادهای نظامی میان ایالات متحده، کره جنوبی و ژاپن تقویت می‌شود و به طور غیرمستقیم، چین با اقدامات خود این اتحادها را به چالش می‌کشد. رهبری کره جنوبی، ایالات متحده را به عنوان متحد اصلی و ضامن امنیت برای بازدارندگی در برابر کره شمالی مسلح به سلاح هسته‌ای می‌بیند. به همین دلیل، دولت‌های پیاپی کره جنوبی همواره ارزش زیادی برای اتحاد پیمانی با ایالات متحده قائل بوده‌اند. دولت فعلی یون نیز از این قاعده مستثنی نیست. در طول کمپین انتخاباتی‌اش، یون^{۱۴} قول داد که تمرینات نظامی با ایالات متحده را که در دوران دولت مون کاهش یافته بود، بازگرداند و "اتحاد" را بازسازی کند (هورنونگ و همکاران، 2024: 55). تمایل یون به تقویت اتحاد نیز نگرانی سئول را منعکس می‌کند که ایالات متحده ممکن است حضور نظامی خود را در کره جنوبی کاهش دهد و در نتیجه، قدرت بازدارندگی در برابر کره شمالی تضعیف شود. به عنوان مثال، در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، بحث‌هایی درباره کاهش حضور جهانی ایالات متحده، از جمله اندازه نیروهای ایالات متحده در کره جنوبی مطرح شد. این بحث‌ها باعث شد که رهبران کره جنوبی به دنبال راه‌هایی برای

¹⁴ یون سوک‌یول (Yoon Suk-yeol)، رئیس‌جمهور کره جنوبی (از ۲۰۲۲) و حامی اتحاد با آمریکا است.

افزایش مشارکت مالی خود در استقرار نیروها در کره جنوبی باشند. در نهایت، کنگره ایالات متحده محدودیت‌های محکمی بر کاهش‌های احتمالی وضع کرد. اول، در سال 2019، قانون مجوز دفاع ملی (NDAA) مانع از استفاده از بودجه برای کاهش تعداد نیروهای مستقر در نیروهای ایالات متحده در کره (USFK) به کمتر از 22,000 نفر بدون توجه به کنگره شد، عددی که بعدها در سال مالی 2020 و 2021 به 28,500 نفر اصلاح شد. قانون NDAA برای سال مالی 2022 این موضوع را تغییر داد و به‌جای آن اعلام کرد که "احساس کنگره" این است که وزارت دفاع باید با "حفظ حضور حدود 28,500 نفر از نیروهای مسلح ایالات متحده" در کره، اتحادها را تقویت کند، اما دیگر نیازی به اطلاع‌رسانی به کنگره در این خصوص وجود ندارد (هورننگ و همکاران، 2024: 55-56). رهبران کره جنوبی نگرانند که درگیری میان ایالات متحده و چین امنیت کشورشان را تضعیف کند. این نگرانی دو بخش دارد: نخست، احتمال کاهش قدرت بازدارندگی ایالات متحده در برابر کره شمالی در صورت خروج نیروهای آمریکایی برای مقابله با چین. دوم، این که کاهش حضور نظامی آمریکا در کره جنوبی ممکن است کره شمالی را به حمله تشویق کند، شاید حتی با حمایت ضمنی چین. مقامات کره‌ای بیم دارند که خروج نیروها باعث اشتباه محاسباتی کره شمالی در مورد تعهد آمریکا به دفاع از کره جنوبی شود (هورننگ و همکاران، 2024: 53-54).

شکاف بین چین و کره شمالی در سال‌های 2016 و 2017 بدتر شد، زیرا کره شمالی مجموعه‌ای از آزمایش‌های تحریک‌آمیزتر سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌ها را آغاز کرد (فروهمن، رافائلوف، و دیل-هوانگ، 2022، ص. 9). در حالی که چین تلاش می‌کند رابطه سالمی با ایالات متحده، کره جنوبی و ژاپن هم به‌صورت دوجانبه و هم به‌صورت جمعی حفظ کند، باید به اتحاد با کره شمالی نیز پایبند بماند. در ساختار امنیتی فعلی که می‌توان آن را "جنگ سرد" یا "صلح سرد" نامید، امنیت کشورها از طریق بازی‌های سه‌گانه‌ای که شنایدر از آن‌ها به عنوان "بازی تسلیحاتی"، "بازی دشمنی"، و "بازی اتحاد" یاد می‌کند، تقویت می‌شود—هرچند که تضمین نشده باشد. این بازی‌ها تنها برای برآورده کردن نیاز به ترکیب معضل امنیت و نه نظم ساختاری یا هرج و مرج انجام می‌شوند. زمانی که این بازی‌ها انجام می‌شوند، کشورها به طور طبیعی در معرض خطرات ناشی از معضل امنیتی قرار می‌گیرند (جونگ-هو و دیگران، 2013: 388-389). کره شمالی تمایل دارد پس از سال 2021 به همکاری نظامی خود با چین ادامه دهد، زیرا این پیمان به‌عنوان یک ضمانت برای حمایت چین عمل می‌کند. پیونگیانگ نسبت به وضعیت بین‌المللی و قابلیت‌های هسته‌ای خود نگران است و به همین دلیل از تمديد پیمان 1961 حمایت می‌کند. از سوی دیگر، چین نیز مایل است این پیمان را تمديد کند تا ترتیبات امنیتی نزدیک‌تری با کره شمالی حفظ کند و از پیونگیانگ به‌عنوان حائل در مذاکرات با کره جنوبی و ایالات متحده استفاده کند، به‌طوری که هیچ‌یک از طرفین بدون مشورت با یکدیگر اقدام نکنند (باسو، 1398: 175). سوء برداشت پیونگیانگ از نیت سیستم اتحاد می‌تواند خطراتی ایجاد کند. برای مثال، در اکتبر 2022، یک موشک در جریان تمرین مشترک کره جنوبی و ایالات متحده سقوط کرد. این تمرین در پاسخ به پرتاب موشک بالستیک کره شمالی انجام شده بود. اگر این موشک به‌جای محل سقوط، نزدیک کره شمالی فرود می‌آمد، نبود

ارتباط با پیونگیانگ می‌توانست خطر واکنش تلافی‌جویانه را افزایش دهد (تایلور، ۲۰۲۴: ۹۱). در نهایت، تعاملات پیچیده میان کره جنوبی، ایالات متحده، چین و کره شمالی نشان‌دهنده اهمیت حفظ اتحادها و احتیاط در سیاست‌های امنیتی برای جلوگیری از سوء تفاهمات و خطرات بالقوه در منطقه است.

4-5. افزایش همکاری‌های امنیتی

در نهایت، می‌توان به چگونگی افزایش همکاری‌های امنیتی میان بازیگران مختلف منطقه (مانند ایالات متحده و کره جنوبی) اشاره کرد که نتیجه طبیعی این تقابل و رقابت‌ها است. پس از یک دوره تنش بالا در سال‌های 2016 و 2017 که با لفاظی‌های جنگ همراه بود، روابط بین طرف‌های درگیر به طرز مثبتی و در بسیاری از جنبه‌ها به شکلی غیرمنتظره تغییر یافت. سال 2018 به سالی تاریخی برای گفت‌وگوهای سطح بالا میان دو کره و همچنین میان کره شمالی و ایالات متحده تبدیل شد. یکی از دستاوردهای بزرگ در روابط بین دو کره، امضای توافق‌نامه جامع نظامی (CMA) در سپتامبر 2018 بود. این توافق‌نامه شامل تدابیری برای ایجاد اعتماد نظامی بود که اجرای (جزئی) آن به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم رئیس‌جمهور کره جنوبی، مون جائه-این، در نظر گرفته می‌شود. با این حال، آنچه در سال‌های 2018 و 2019 به دست آمده بود، در حال فروپاشی است. با شروع از دومین اجلاس بین رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، دونالد ترامپ و رهبر کره شمالی، کیم جونگ اون، در هانوی در فوریه 2019 که زودتر از موعد و بدون هیچ نتیجه‌ای به پایان رسید، روند نزدیکی میان طرفین درگیر کند شد. در ژوئن 2020، کانال‌های گفت‌وگو بین دو کره به طور کامل قطع شد و کره شمالی به‌صورت علنی تهدید به پایان همکاری‌های نظامی کرد و دفتر ارتباطی دو کشور که در قلمرو کره شمالی قرار داشت را تخریب کرد. (مادوز، 2021: 6). ایالات متحده و کره جنوبی همکاری‌های نظامی خود را عمیق‌تر کرده و دامنه تمرینات نظامی را گسترش می‌دهند. به‌همین ترتیب، کره شمالی برنامه هسته‌ای خود را تشدید می‌کند و این دینامیک تصاعدی ادامه می‌یابد. ناسازگاری منافع استراتژیک بین کره شمالی در مقابل کره جنوبی و ایالات متحده چشمگیر است (لیلیئاس، 2024: 2-3). لذا دولت بایدن پاسخ‌های متناسبی به متحدان منطقه‌ای خود ارائه دهد و در تلاش باشد تا همکاری‌های امنیتی سه‌جانبه میان ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی را تقویت کند. چین به عنوان یک قدرت همسایه بر نزدیکی تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی خود تأکید خواهد کرد و سعی خواهد کرد کره جنوبی را متقاعد کند که از تأثیر ایالات متحده فاصله بگیرد. استراتژی کره جنوبی برای هم‌گرایی با ایالات متحده و چین کار آسانی نیست، اما ایجاد فضایی استراتژیک برای جلوگیری از گرفتار شدن در اثرات منفی رقابت ایالات متحده و چین در سطح منطقه‌ای فراتر از شبه‌جزیره کره اهمیت دارد. در شرایطی که درگیری ایالات متحده و چین تشدید می‌شود، لازم است که فضای استراتژیک را از طریق پاسخ‌های انعطاف‌پذیر گسترش داد و نه از طریق ابهام استراتژیک یا سختی. از این منظر، کره جنوبی باید به دنبال همکاری‌های چندجانبه باشد تا روابط دوجانبه را تکمیل کند، استراتژی قدرت میانه‌ای را برای پاسخ به سیاست‌های بزرگ‌قدرت‌ها دنبال کند و از استراتژی تعادل نرم در مقابل رقابت‌های امنیتی قدرت سخت بهره‌برداری کند (هوانگ، 2022: 14). چین منافع خود را بر روابط با کره شمالی و کره جنوبی مقدم می‌دارد،

به‌ویژه در رقابت با ایالات متحده. روابط چین با دو کره به وضعیت تنش‌ها بین آن‌ها بستگی دارد: در دوره‌های تنش‌زدایی، روابط دوستانه‌تر است، اما در زمان تنش، این روابط تحت تأثیر قرار می‌گیرد. چین به فشارهای ایالات متحده پاسخ داده و با تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل علیه کره شمالی همراهی کرده است، در حالی که همچنان از نفوذ اقتصادی خود برای تحت فشار قرار دادن کره جنوبی در مورد استقرار سامانه دفاع موشکی THAAD استفاده می‌کند. چین کره جنوبی را رقیب متحد خود (کره شمالی) می‌داند و کره شمالی برای ایالات متحده یکی از دشمنان اصلی است. برای کره جنوبی، حفظ تعادل بین چین به‌عنوان شریک اقتصادی و ایالات متحده به‌عنوان شریک امنیتی ضروری است. جنگ تجاری و رقابت هژمونی میان چین و ایالات متحده روابط سه‌جانبه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و پیش‌بینی‌ها از روابط چین و دو کره در آینده چندان خوش‌بینانه نیست. این کشورها باید در تعاملات سه‌جانبه خود دقت کنند تا از آسیب به یکدیگر جلوگیری کرده و امنیت شبه‌جزیره کره را حفظ کنند (یانگ، 2020: 82).

نتیجه‌گیری :

مقاله‌ی حاضر با استفاده از چارچوب نظریه توازن قوا، به بررسی تأثیرات تقابل ایالات متحده و چین بر بحران امنیتی شبه‌جزیره کره پرداخته است. یکی از نتایج مهم این پژوهش، تشدید بحران امنیتی در منطقه است. رقابت استراتژیک این دو قدرت جهانی به افزایش فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی منجر شده است. این وضعیت نه تنها تهدیدات امنیتی را در منطقه تشدید کرده، بلکه فشار بیشتری بر کره جنوبی و ژاپن وارد آورده است. کره شمالی با بهره‌گیری از تهدیدات نظامی به‌عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ، توانسته حمایت بیشتری از چین جلب کرده و فشارهای بیشتری بر ایالات متحده و کره جنوبی وارد کند. تقابل بین ایالات متحده و چین همچنین به تقویت اتحادهای نظامی در منطقه منجر شده است. ایالات متحده از طریق تقویت همکاری‌های نظامی با کره جنوبی و ژاپن، سعی در مقابله با تهدیدات کره شمالی و کاهش نفوذ چین دارد. در مقابل، چین با تقویت روابط خود با کره شمالی و اعتراض به اقداماتی نظیر استقرار سامانه دفاع موشکی THAAD در کره جنوبی، به دنبال افزایش نفوذ خود است. این رقابت‌ها معادلات امنیتی را در شبه‌جزیره کره پیچیده‌تر کرده و معضلات امنیتی جدیدی ایجاد کرده است. کره جنوبی در این میان به دلیل وابستگی اقتصادی به چین و تعهدات امنیتی به ایالات متحده در موقعیتی دشوار قرار گرفته است. این کشور باید میان حفظ روابط اقتصادی با چین و تضمین امنیت خود در برابر تهدیدات کره شمالی تعادل برقرار کند. تنش‌های اقتصادی و امنیتی، کره جنوبی را به اتخاذ راهبردهای محتاطانه در سیاست خارجی سوق داده است تا بتواند از منافع ملی خود محافظت کند. اقدامات امنیتی ایالات متحده، نظیر استقرار سامانه‌های دفاعی و تقویت حضور نظامی، نگرانی‌های چین را افزایش داده و چرخه‌ای از تهدیدات و واکنش‌ها را به وجود آورده است. چین با حمایت از کره شمالی و تقویت توان نظامی خود، به دنبال محدود کردن نفوذ ایالات متحده در منطقه است. در مقابل، ایالات متحده از طریق ائتلاف‌های نظامی و افزایش فشار بر کره شمالی، سعی در کاهش تهدیدات و حفظ نقش رهبری خود در شرق آسیا دارد. در چارچوب نظریه توازن قوا، ایالات متحده و چین به عنوان دو قدرت

اصلی جهانی تلاش می‌کنند موقعیت خود را با تقویت ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی و ایجاد ائتلاف‌ها تثبیت کنند. این رقابت، شبه‌جزیره کره را به نقطه کانونی در معادلات جهانی تبدیل کرده است. در پایان، مقاله بر ضرورت مدیریت دقیق روابط ایالات متحده و چین تأکید دارد. چنین مدیریتی برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و ایجاد ثبات در شبه‌جزیره کره ضروری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریه توازن قوا ابزاری مناسب برای تحلیل وضعیت پیچیده شبه‌جزیره کره و پیش‌بینی پیامدهای آن در آینده است.

منابع:

1. Ali, A. (2023). Thucydides Resurrected: Confrontation Between the US and China for Global Dominance. *Pakistan Horizon*, 76(3), 47-60.
2. Anatolyevich, K. O. (2019). The security issues in US-China strategic competition. *International journal of professional science*, (7), 73-80.
3. Andersen, M. S. (2018). Balance of Power. *The Encyclopedia of Diplomacy*, 1-12.
4. Basu, Titli(2019)Introduction: Mapping the Korean Conundrum, Editor:Titli Basu, Major Powers and the Korean Peninsula:Politics, Policies and Perspectives, Institute for Defence Studies and Analyses, www.kwpub.com.
5. Cuong, N. M., Chelabi, K., Anjum, S., Sateeshchandra, N. G., Samoylenko, S., Silwizya, K., & Nghiem, T. (2024). US-China global competition and dilemma for Vietnam's strategic choices in the South China Sea conflict. *Heritage and Sustainable Development*, 6(1), 349-364.
6. Fingar, T., & Lampton, D. M. (2023). China's America Policy: Back to the Future. *The Washington Quarterly*, 46(4), 43–63. <https://doi.org/10.1080/0163660X.2023.2285541>.
7. Fortmann, M., Paul, T. V., & Wirtz, J. (2004). Conclusions: balance of power at the turn of the new century. *Balance of Power: Theory and Practice in the 21st Century*, 360-374.
8. Frohman, B., Rafaelof, E., & Dale-Huang, A. (2022, January 24). U.S.-China economic and security review commission staff research report. U.S.-China Economic and Security Review Commission. <https://www.uscc.gov>.
9. Healy, B., & Stein, A. (1973). The balance of power in international history: theory and reality. *Journal of Conflict Resolution*, 17(1), 33-61.
10. HORNUNG, J. W., GUNNESS, K., ROONEY, B., MCCORMICK, D., GREK, L., SCHWANKHART, R. A., ... & LINO, M. R. (2024). Fighting Abroad from an Ally's Land.
11. Hwang, J. (2022). The US-China Rivalry and South Korea's New North Korea Policy: Its Prospects and Implications. *The Journal of East Asian Affairs*, 5-33.
12. Institute for Security & Development Policy. (2017, October). THAAD on the Korean Peninsula. BACKGROUNDER. www.isdp.eu.
13. Jerotijevic, Z., & Palevic, M. (2016). The balance of power: The security concept of the international community. In *Ekonomika* (Vol. 62, Issue 1, pp. 141–150). Centre for Evaluation in Education and Science (CEON/CEES). <https://doi.org/10.5937/ekonomika1601141j>
14. Jie, D. (2020). The emerging ideological security dilemma between China and the US. *China International Strategy Review*, 2(2), 184-196.
15. Lee, S. (2022). East Asian Security in the Multipolar World Order: A Review on the Security Threat Assessment of the Korean Peninsula Amid the Restructuring of International

- Order. *Analyses & Alternatives*, 6(2), 37-78.
16. Lilleaas, C. (2024). Nuclear dilemmas to die for.
 17. Maduz, L. (2021). Confidence and Security-building on the Korean Peninsula and the Role of Switzerland. ETH Zurich.
 18. Manyin, Mark E, Chanlett-Avery, Emma, Nikitin, Mary Beth D, Rennack, Dianne E, (2022), Diplomacy with North Korea: A Status Report, Updated February 3, *Congressional Research Service*.
 19. Minghao, Z. (2023). The US Strategy to Maintain Hegemony and the Future of China-US Relations. *China International Studies*, (103).
 20. Modebadze, V. (2020). US-CHINA RIVALRY FOR GLOBAL HEGEMONY. In *Journal of Liberty and International Affairs*, Institute for Research and European Studies - Bitola (Vol. 2, pp. 167–173). *Journal of Liberty and International Affairs*, Institute for Research and European Studies - Bitola. <https://doi.org/10.47305/jlia2020167m>.
 21. Mushinda, B. N., Lohalo, G. O., Benkenya, L., Balebo, P. M., Mbuku, J. G., Diur, K., ... & Bura, N. (2024). From Rising to Superpower: Pragmatism and the Community of a Shared Future for Mankind in Chinese Foreign Policy. *Open Journal of Political Science*, 14(02), 292-315.
 22. Nagy, S. (2023). Drivers of US-China Strategic Competition: Understanding the Chinese Perspective. *Institute for Security & Development Policy*, 1-2.
 23. Nilsson-Wright, J., & Jie, Y. (2021). South Korean Foreign Policy Innovation amid Sino-US Rivalry: Strategic Partnerships and Managed Ambiguity. *London: Chatham House*.
 24. Ross, R. S. (2023). China Looks at the Korean Peninsula: The 'Two Transitions'. In *Survival December 2021-January 2022: Trials of Liberalism* (pp. 129-158). Routledge.
 25. Rudolf, P. (2020). *The Sino-American World Conflict* (No. 3/2020). SWP Research Paper.
 26. Smeltz, D. (2022). Thinking Nuclear: South Korean Attitudes on Nuclear Weapons.
 27. TAYLOR, J. R. (2024). TENSIONS ON THE PENINSULA: Strategic Communication for the US-Northeast Asia Alliance System. *Æther: A Journal of Strategic Airpower & Spacepower*, 3(2).
 28. TAYLOR, J. R. (2024). TENSIONS ON THE PENINSULA: Strategic Communication for the US-Northeast Asia Alliance System. *Æther: A Journal of Strategic Airpower & Spacepower*, 3(2).
 29. Underwood, E., & Paul, T. V. (2020). *Balance of Power*. Oxford University Press.
 30. Wang Jisi, Hu Ran. 2019. From Cooperative Partnership to Strategic Competition: a Review of China– U.S. Relations 2009–2019 // *China International Strategy Review*. <https://link.springer.com/article/10.1007/s42533-019-00007-w> Accessed 20.08.2019
 31. Wen, M. (2022). Exporting the American Dream? Ideology and US China Policy Since 9/11. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 8(03n04), 263-286.
 32. Xu, L. (2024). The Cause of the Current Conflict Between China and the United States. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*, 41, 217-222.
 33. Yang, X. (2023). Why can't the drama stop? US–China rivalry and security triangulation on the Korean peninsula. In *Contemporary Politics* (Vol. 29, Issue 5, pp. 640–658). Informa UK Limited. <https://doi.org/10.1080/13569775.2023.2215115>.
 34. Zhao, M. (2019). Is a New Cold War Inevitable? Chinese Perspectives on US–China Strategic Competition. In *The Chinese Journal of International Politics* (Vol. 12, Issue 3, pp. 371–394). Oxford University Press (OUP). <https://doi.org/10.1093/cjip/poz010>.